

بررسی بررسی مشکلات رفتاری کودکان

احمد اخلاقی (نویسنده مسئول)

دبیر آموزش و پرورش شهرستان لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران: Akhlaghi.ahd@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: تفاوت های فردی بین تمامی انسانها و از جمله دانش آموزانی که در یک کلاس درسی قرار گرفته اند، بسیار قابل توجه بوده و خود می تواند تاثیر بسزایی در امر تعلیم و تربیت و کار معلم داشته باشد. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش علیرغم آنچه که در نظر عوام به غلط جا افتاده، معلمی یکی از مشکل ترین مشاغل به حساب می آید و دلیل این ادعا همین تفاوت های فردی است.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که دانش آموزان را به گروه و دسته های متفاوتی می توان تقسیم نمود که کامل ترین تقسیم بندی جای گیری در ۱۲ دسته کلی می باشد. شناسایی و طبقه بندی دانش آموزان کار اصلی معلم است چرا که با شناخت معلم از این تقسیم بندی است که کار جهت امر تعلیم و تربیت، راحت تر و بهتر پیش خواهد رفت.

واژگان کلیدی: شناخت، معلم، مشکلات رفتاری، کودکان.

۱- مقدمه

هرچند که هدف اصلی آموزش معلم افزایش دادن رفتارهای مطلوب دانش آموزان و دانشجویان و ایجاد رفتارها، دانشها، مهارتها و تواناییهای تازه و فضایل پسندیده در آنهاست، کاهش و حذف رفتار و اخلاق ناپسند یادگیرندگان نیز از جمله وظایف مهم معلمان و پرورشکاران به حساب می آید. برای نگهداری و ادامه یک رفتار تازه آموخته شده، پس از طی یک دوره تقویت پیاپی یا پیوسته و کسب اطمینان از اینکه رفتار بخوبی آموخته شده است، رفتار را وارد یک دوره تقویت ناپیاپی یا ناپیوسته می کنیم، و بتدریج از تعداد تقویتها می کاهیم تا اینکه رفتار زیر کنترل محرک تقویت کننده محیط طبیعی درآید [۱].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

خصوصیات دانش آموزان

در این جا ضمن تشریح خصوصیات هر کدام از این دانش آموزان به بیان نکاتی در خصوص رفع مشکلات خواهیم پرداخت.

۱- دانش آموزی که خود را نمی شناسد.

عدم شناخت از خود و توانایی های ذاتی، از جمله مشکلات دانش آموزان به شمار میرود. شناسایی فرد و استعداد های ذاتی و کشف نشده دانش آموزان توسط معلم و خانواده و هدایت فرد به سمت توانایی و قابلیت های فردی موجود، از جمله راهکارهای مناسب جهت جلب انگیزه فرد به درس و کلاس می باشد [۲].

۲- دانش آموزانی که هدف ندارند.

این چنین دانش آموزانی بواسطه نداشتن هدف مشخص در زندگی و از جمله درس خواندن خود، راه مشخص و مستقیم و بدون دردسرو کمترین ضرر را در پیش نگرفته، و هر از چند وقتی پس از پیمودن راهی، دوباره عقب نشینی نموده و از ابتدا راه دیگری را برای رسیدن به هدف نامعلوم تری در پیش می گیرند و چه بسا که جبران وقت از دست رفته دیگر ممکن نباشد. ایجاد هدف مشخص، بیان تجربیات توسط معلم و مشاور و هدف گذاری برای دانش آموزان امر خطیری بوده که هم دانش آموزان را به آینده امیدوار میکند و هم احتمال خطا در کار و فعالیت را به حداقل میرساند و هم از نهایت وقت میتوان به نحو احسن استفاده نمود [۳].

۳- دانش آموزی که نمیداند چرا کاری را که از وی خواسته اند، باید انجام دهد.

در این نمونه، دانش آموز، جایگاه خود را پیدا ننموده، به شرح وظایف خود در جامعه آشنا نیست، ارتباط و کاربرد مطالب فرا گرفته شده را جهت پیشبرد آن در زندگی آینده اش نمی داند و..... چنین افرادی احتیاج به راهنمایی دارند. بیان مسئولیت های اجتماعی نقش آنان در آینده در محیط های بزرگتر و ارتباط مطالب فرا گرفته شده با زندگی اجتماعی و یادآوری

نقش و مسئولیت فعلی آنان در حال حاضر از جمله مواردی است که باید به آن توجه داشت. فرد تا نداند که چرا باید مثلاً درسی به نام فیزیک را بخواند یا هدف از خواندن ادبیات چیست، نمیتواند به طور کامل وظیفه خود را انجام دهد [۴].

۴- دانش آموزانی که برای لحظاتی بیکار هستند.

همیشه و همه جا شیطان بدنبال افرادی است که بیکارند. اولین کاری که دانش آموزان فاقد کار مشخص کلاسی به آن روی می آورند شیطننتی است. شیطننتی که از روی سادگی رخ داده و ممکن است که کلاس را از سمت و سوی اصلی خود خارج و معلم را برای جمع و جور نمودن کلاس به زحمت اندازد. لذا لازم است که در این باب معلم فعالیت های کلاسی منظم و از پیش تعیین شده و بر اساس طرح درس خود را در کلاس به مرحله اجرا درآورده و ضمن ایجاد یک کلاس متنوع که خستگی مفرط دانش آموزان را بدلیل متکلم وحده نبودن خود بدنبال نداشته باشد، دانش آموزان مستعد استفاده از لحظات ولو هر چند کوتاه را غافلگیر نموده و فرصتی به آنان ندهد. ایجاد گروههای کلاسی، فعالیت های عملی، پرسش و پاسخ و..... از راهکارهای رفع چنین معضلی است [۵].

۵- دانش آموزانی که سطح یادگیری شان پایین تر از سطح کلاس است.

این گونه دانش آموزان بدلیل ضعف موجود، فضای کلاسی برایشان سنگین است و برای ادامه کار انگیزه ضعیفی دارند و در وجودشان نوعی دلسردی و دلزدگی از درس بوجود می آید. این گونه دانش آموزان پس از اولین امتحانی کلاسی که همراه با رفتار و برخورد های دانش آموز در کلاس حاصل می شود، قابل شناسایی است. گروه بندی کلاسی و گذاشتن دانش آموزان قوی تر به عنوان سرگروه و جبران عقب ماندگی درسی چنین افرادی توسط معلم و همچنین دانش آموزان زرنگ همان کلاس از جمله کارهایی می باشد که به صورت عملی دربرخی از کشورهای نه چندان پیشرفته و زیر نظر سازمان یونسکو انجام می شود و به ازای کمک دانش آموزان قوی به ضعیف ترها، نمره به آنان تعلق می گیرد [۶].

۶- دانش آموزانی که درس را خیلی آسان یاد می گیرند.

چنین دانش آموزانی وضعیت تحصیلی بهتری داشته و مطالب درسی برایشان ساده است و اختلاف قابل توجهی با دانش آموزان ضعیف که به عنوان نوع پنجم از آنها یاد شد، دارند. در حال حاضر و در مدارسی که عادی بوده و همه نوع دانش آموز از زرنگ گرفته تا ضعیف را ثبت نام می نمایند، این وضعیت مشهود تر است. دبیران چنین کلاسهای قاعدتا می بایست حد وسط را در نظر گرفته و تدریس و کار کلاسی را بر اساس دانش آموزان متوسط در نظر گیرند و با برنامه های خاص کلاسی، از دانش آموزان مستعد تر به عنوان دستیار معلم در کلاس، مجری کنفرانس های کلاسی، مصحح اوراق امتحانات داخلی کلاس، و انتخاب به عنوان سرگروه، استفاده نمایند. هر چند که با برخورد ظریف معلم با این امر می بایست که دانش آموز زرنگ به کار مشغول شده و افت کلاسی پیدا ننماید و از طرف دیگر سپردن این مسئولیت ها فرد را به عنوان سوگلی کلاسی در نیارودو خدای ناخواسته رودر روی دیگر دانش آموزان مخصوصاً ضعیف ترها قرار ندهد. بوجود آمدن این احساس خوشایند در ذهن همه گروههای ضعیف، متوسط و قوی کلاسی که وجود چنین افرادی کار معلم و کلاس را تسریع و نکته مثبتی محسوب می شوند، کار اصلی معلم می باشد [۷].

۷- دانش آموزانی که از درس عقب میمانند.

عقب ماندن از فعالیت های کلاسی یا بدلیل غیبت های مکرر، تاخیر که ضعف درسی دانش آموز را به همراه دارد. معلم می بایست به محض شناسایی چنین دانش آموزانی که متأسفانه بدلیل ضعف خود ترمزی جهت دیگر دانش آموزان کلاس محسوب می شوند، دست به کار شده و با شناسایی علل این عقب ماندگی به درمان و رفع معضل بپردازد. در اختیار قرار دادن جزوه های دانش آموزان به صورت موقت، رفع مشکلات دانش آموز در پایان کلاس و یا در ساعات های آزاد دانش آموز و معلم در مدرسه، تکثیر مطالب نوشته شده زمان غیبت دانش آموز توسط مدرسه، استفاده از دانش آموزان قوی جهت کمک به این نمونه دانش آموزان و.... از نکات ارزشمندی است که میتوان در خصوص این نمونه دانش آموزان به کار برد [۸].

۸- دانش آموزانی که جاذبه لازم در کلاسشان نیست .

اگر معلم نتواند جاذبه لازم را در کلاس بوجود آورد ، هر چند که بالاترین مدرک تحصیلی را دارا بوده و سر آمد معلمانی نیز باشد ، کاری از پیش نخواهد برد . به قول علمای فن ، دانش آموز اول بایدخود معلم را قبول کند و بعد از آن درس وی را . جذب دانش آموزان و بدست آوردن اعتماد آنان نسبت به خود از مهم ترین ویژگی های یک دبیر خوب و کار آمد می باشد . ایجاد اعتدال درسی در کلاس ، جذب مخاطب به خود ، استفاده از نظرات دانش آموزان ، متکلم وحده نبودن معلم ، بیان مثال های موجود در طبیعت و محیط اطراف و زنده و پویا نگه داشتن کلاس و دارا بودن طرح درس معین و تقسیم ساعت کلاسی به چند قسمت که پویایی و عدم خستگی دانش آموز را بدنبال نیارد ، از مهم ترین نکات بوجود آوردن جاذبه در کلاس است [۹] .

۹- دانش آموزانی که احساس کنند درس به دردشان نمیخورد .

این گروه مشابه گروه دوم ذکر شده ، ناامید بوده و علت اهمیت درس و دروس مختلف و نقش آن در زندگی آینده اجتماعی را درک ننموده و همین ناامید بودن ، ضعف درسی ، زدگی از کلاس ، ایجاد ناراحتی و نخواندن درس و اهمیت ندادن به کلاس را بوجود آورده و موجبات تبدیل به دیگر گروه های دانش آموزی نامبرده شده را فراهم می آورد .مهم جلوه دادن درس و اهمیت آن در زندگی و کار و اجتماع ، ایجاد امید به زندگی در آینده و نقش مطالب فراگرفته شده ، دادن نقش کاربردی به دروس و عملیاتی نمودن درس های مختلف ، ارتباط آن با دیگر دروسی که مورد علاقه دانش آموز است و ایجاد اعتماد به نفس جهت یادگیری و ذکر تلاشهای مستمر گروه تالیف و از جمله اقداماتی هستند که معلم جهت رفع این مشکل می تواند به کار بگیرد [۱۰]

۱۰- کسانی که مرتب تحقیر و تنبیه شده اند .

این تحقیر میتواند هم در منزل توسط پدر و مادر و خواهر و برادریا فامیل ، یا در محله توسط دوستان و یا در مدرسه توسط دانش آموزان و خدای نکرده در کلاس توسط معلم بوجود آمده باشد . این تحقیر میتواند به واسطه کمبود خاص و قابل مشاهده ای در فرد همانند قیافه ظاهری ، نحوه تکلم و یا برخورد اجتماعی ، ضعف درسی ، ضعف مالی ، کندی و کاستی در کار و یا دیگر موارد مشابه بوجود آمده باشد . بزرگترین تنبیه برای چنین افرادی ، طرد از جامعه و انگشت نما شدن و گذاشتن اسم های خاص روی آنان است . باید برای چنین انسانهایی که به این روش بزرگ شده و جز تنبیه و تحقیر چیزی نشنیده و یا ندیده اند، سرمایه گذاری فراوانی نمود و برایشان اهمیت قائل شد . چه بسا استعدادهای نهفته ای در وجودشان باشد که با یک تلنگر و یک حرکت مثبت و یک تشویق به جا و مناسب شکفته و بارور شود . بوده اند موارد بسیاری که پس از برخورد خوب و مناسب و یک هدیه معنوی از این رو به آن رو گردیده و خود موجبات دگرگونی عظیم در جامعه را فراهم نموده اند . پس باید تمامی عوامل موجود در جامعه و تاثیر گذار روی چنین گروهی از دانش آموزان دست به دست هم دهند و موجبات پیشرفت فرد و جبران مافات گذشته شوند [۱۱].

۱۱- گروهی از دانش آموزان که مایلند توجه دبیر را به خود جلب نمایند .

۱۲- گروهی از دانش آموزان که مایلند توجه دانش آموزان را به خود جلب نمایند .

این دو گروه از گروههای دانش آموزی بنا به دلایلی از جمله مورد توجه واقع نشدن در منزل و دربین دوستان ، نداشتن پدر و یا مادر ، ضعف درسی ، ضعف اخلاق و انضباط کلاسی ، بی علاقه گی به درس و یابر عکس وضعیت مثبت و خوب درسی موارد مشابهی از این قبیل مایل هستند که مورد توجه قرار گیرند و در این راه به هر طریقی از جمله شناخت نقطه ضعف دبیر و یا تحریک دانش آموزان و..... قدم برمی دارند [۱۲]

حل این مشکل مساعدت و همکاری مشاور و معاون و مدیر مدرسه را میطلبد و شایسته است که حتی قبل از شروع مدرسه و با زمینه ذهنی اولیاء مدرسه و بررسی وضعیت پرونده تحصیلی فرد ، نکات به اطلاع معلمین مربوطه رسیده شود تا معلم با اطلاع کامل از وضعیت چنین دانش آموزانی که خواه ناخواه در هر محیط آموزشی وجود دارند ، به کلاس رفته و با گذاشتن وقت کافی

جهت چنین دانش آموزانی به کار بپردازد. اعتقاد این است که دانش آموز خوب و بدون مشکل، در حد خود کار و تلاش کرده و مشکلی از این بابت جهت معلم ایجاد نمی نمایند اما دانش آموزان مورد دار و مسئله دار هستند که نیاز بیشتری به حمایت و سرپرستی و نشان دادن راه دارند و اگر بتوانیم در جهت پیشرفت چنین نمونه دانش آموزانی - کار کنیم، می توان گفت که قدم در راه و وظیفه اصلی نهاده ایم. کار اصلی معلم در رویارویی با چنین دانش آموزانی که پس از شناخت اولیه حاصل گردیده در مواردی چون: سپردن مسئولیت به آنان، ایجاد کار نمودن برایشان، دوری از مزمت و تحقیر، تحت نظر و کنترل گرفتن، به کارهای فوق برنامه همانند تهیه روزنامه دیواری تشویق نمودن، همکاری در امور کلاسی و مدرسه، بکارگیری در امر انتظامات مدرسه و اگر روحیه ورزشی خوبی نیز دارند استفاده بهینه در امور ورزشی و... می باشد. هر چند که کلیه کارها و برخورد های در این رابطه می بایست در نهایت سعه صدر و با همکاری دیگر مسئولین مدرسه و در چارچوب قوانین موجود انجام پذیرد و برخورد همراه با احتیاط سر لوحه کار معلمین قرار گیرد. چه بسا که توجه بیش از اندازه به دانش آموزان واجد شرایط هر کدام از گروه های ذکر شده و خصوصاً دو گروه آخر ممکن است تاثیر معکوس داشته باشد. چرا که اکثر رفتارهای ناپسند دانش آموزان به این علت ادامه پیدا می نمایند که توجه معلم را جلب نمایند و توجه افراطی و مکرر به رفتارهای بد دانش آموز نه تنها موجب اصلاح رفتار یا بازسازی رفتار نمی گردد، بلکه موجب تقویت رفتارهای نامطلوب نیز می شود [۱۳]

هر گونه رفتار به دور از شان شخصیت معلمی و یا رفتار شایسته، هر گونه حرف بدون ریشه و اساس و برخورد مناسب و یا نامناسب با دانش آموزانی که چون خمیر مایه ای مشغول شکل گرفتن هستند میتواند دانش آموزان را به اوج رسانیده و یا بر عکس آنها را ناامید نموده و فرد دیگری بسازد. پس می بایست احتیاط بسیاری نموده و همانطور که انتظار داریم با فرزندمان در مدرسه و محیط آموزشی رفتار می نمایم، با بچه های مردم که امانتی گرانبها در نزدمان هستند به درستی برخورد نماییم. نباید دشواری های رفتاری دانش آموزان را، محدود و منحصر به کلاس و مدرسه دانسته و از عوامل بیرون از مدرسه نیز غافل باشیم و از طرف دیگر این را هم بدانیم که نسبت دادن همه رفتارهای ناهنجار و ناسازگار، به عوامل اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی ممکن است نگرشی را ایجاد نماید که نتیجه آن بی مسئولیت نمودن و عدم توجه معلم به قضایا می باشد. [۱۴]

شیوه های برخورد و آموزش به دانش آموزان با اختلالات رفتاری - عاطفی

درس دادن در مدارس امروزی کاری بس دشوار است. دانش آموزان کلاس ها را اشخاص بسیار متنوعی تشکیل می دهند. با این حال همه دانش آموزان لازم است احساس ایمنی و امنیت کنند تا بتوانند مطالب درسی را به راحتی فراگیرند. برخی از دانش آموزان از خود رفتارهایی بروز می دهند که به توجه آموزگار نیاز دارد و ممکن است به راحتی زمان و انرژی آموزگار را به خود اختصاص دهد. این دسته از دانش آموزان، افرادی هستند که با اختلالات رفتاری - عاطفی روبه رو هستند و می توانند کاسه صبر و شکیبایی حتی بهترین آموزگاران را نیز لبریز کنند. طبیعتاً آموزگاران در برخورد با این دانش آموزان ممکن است دچار استرس شوند و ناخودآگاه نتوانند همه صلاحیت های خود را در کلاس نشان دهند [۱۵]

مفهوم اختلال رفتاری - عاطفی به معنای آن است که دانش آموز نتواند در مدرسه با توجه به هنجارهای قوی یا فرهنگی رفتاری را به نمایش بگذارد و در نتیجه بر عملکرد آموزشی او تاثیر نامطلوب می گذارد. دانش آموزانی که با اختلال رفتاری - عاطفی روبه رو هستند مشکلاتی را برای دوستان، والدین و آموزگاران ایجاد می کنند. اختلالات شدید رفتاری - عاطفی این دانش آموزان شامل موارد ذیل است.

- ناتوانی در یادگیری که نتوان آن را با عوامل عقلی، احساسی یا سلامت مرتبط دانست.

- رفتارهای نامناسب در شرایط عادی

- روحیه ادامه دار افسردگی

- ابراز نشانه های ترس در ارتباط با مسائل شخصی با مدرسه [۱۶]

اختلالات عاطفی- رفتاری ممکن است با سایر ناتوانی ها همراه باشد. این اختلالات ممکن است با اختلالات اسکیزوفرنی، اختلالات عاطفی و اختلال اضطراب نیز همراه باشند. معمولاً دانش آموزانی که با اختلالات عاطفی- رفتاری روبه رو هستند از ویژگی های مشترکی برخوردارند. از جمله اینها می توان به کمبود توجه، عدم موفقیت در مدرسه، مهارت های اجتماعی ضعیف، پرخاشگری، اضطراب، گوشه گیری و افسردگی اشاره کرد [۱۷].

کمبود توجه

اغلب اوقات دانش آموزانی که اختلالات رفتاری- عاطفی را به نمایش می گذارند با ویژگی هایی مانند حواس پرتی، فعالیت بیش از اندازه یا تکانشی بودن توصیف می شوند. بسیاری از این دانش آموزان نمی توانند به سخنان آموزگار سر کلاس گوش بدهند و به آن توجه لازم داشته باشند. آنها به سرعت به این نتیجه می رسند که نمی توانند با آموزگارشان و نیز دوستان شان کنار بیایند و علتش این است که نمی توانند به صحبت های آموزگار توجه کنند و به راحتی حواس سایر دانش آموزانی را که در کنار آنها نشسته اند نیز پرت می کنند. دانش آموزانی که با کاستی شدید توجه روبه رو هستند، ممکن است رفتارهای عجیب و غریبی را به نمایش بگذارند و واکنش منفی آموزگاران و هم شاگردی هایشان را به دنبال داشته باشند. این دانش آموزان ممکن است میان حرف دیگران بپرند یا دائماً سوال کنند، از سر جایشان بلند شوند یا زیاد حرف بزنند یا ممکن است در خیال فرو بروند و انگیزه یی برای انجام تکالیف مدرسه نداشته باشند. از جمله بارزترین نمودهای کاستی توجه می توان به جنب و جوش بیش از اندازه و پس از آن به بی توجهی اشاره کرد [۱۸].

مهارت های اجتماعی ضعیف

اصولاً دانش آموزانی که با اختلالات رفتاری- عاطفی مواجه هستند طبق تعریف در روابط خود با دوستان همسال و بزرگسال با مشکلات میان فردی روبه رو می شوند. بسیاری از این دانش آموزان رفتارهایی از قبیل زدن، سر به سر گذاشتن، جنگیدن، زورگویی و کنار نیامدن را از خود بروز می دهند. این برون ریزی ها و فعالیت های پرخاشگرانه به ندرت این بچه ها را نزد دوستان و همکلاسی و آموزگاران محبوب و عزیز می کند، از آن گذشته بچه هایی که بیش از حد گوشه گیر هستند خود را تنها می یابند. این بچه ها اغلب همبازی ندارند و از مهارت های اجتماعی کمی برخوردارند. در واقع دانش آموزانی که با اختلالات رفتاری- عاطفی روبه رو هستند، خواه رفتارهایی برون ریز داشته باشند یا درون ریز اغلب از سوی دوستان و همکلاسی هایشان طرد می شوند و کسی با آنها گرم نمی گیرد [۱۹].

ناکامی در مدرسه

دانش آموزانی که با اختلالات رفتاری- عاطفی روبه رو هستند معمولاً در مدرسه و در کار درس و مشق در مقایسه با سایر دوستان شان ضعیف ظاهر می شوند. بررسی ها نشان می دهد تنها معدودی از دانش آموزانی که با اختلالات رفتاری مواجه هستند در تحصیل موفقند و اغلب در مقایسه با سایر دانش آموزان در امتحانات نمرات کمتری می گیرند. آنان از دوستان و همسن و سالان شان در مدرسه و دبیرستان ضعیف تر ظاهر می شوند و این امر باعث می شود اعتماد به نفس شان خدشه دار شود و عزت نفس نیابند. با آنکه همه دانش آموزانی که اختلال رفتاری دارند لزوماً عزت نفس بدی ندارند، کسانی که در مدرسه نمرات خوبی نمی گیرند بعید است به یک خودانگاره مثبت برسند و به اندازه سایر همکلاسی هایشان مدرسه را دوست داشته باشند. به طور طبیعی دانش آموزی که با موقعیت های تحصیلی ضعیف روبه رو است به احتمال زیاد عواقب اجتماعی منفی را تجربه می کند که این خود می تواند بدرفتاری های بیشتری را سبب شود [۲۰].

پرخاشگری

زمانی که ناکامی تحصیلی با رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه پی درپی همراه باشد، امکان موفقیت در سال های بعدی به شدت کم می شود. متأسفانه دانش آموزانی که با اختلالات رفتاری- عاطفی مواجه هستند اغلب این طرز رفتار را به نمایش می گذارند. طبق تحقیقات، پرخاشگری در پسرها سه برابر بیشتر از دخترهاست. بسیاری از پسرهایی که در کودکی پرخاشگری می

کنند و به دوستان شان زور می گویند، در خطر آن هستند که در بلوغ و بزرگی به پرخاشگری خود ادامه دهند و مخاطراتی برای خود ایجاد کنند. کودکان ضداجتماعی از سوی دوستان هم سال و نرمال پذیرفته نمی شوند و به احتمال زیاد تا کلاس های چهارم و پنجم برای خود دوستانی مشابه خودشان پیدا می کنند. کودکانی که از اوایل سال های زندگی در منزل بدرفتاری و پرخاشگری می کنند، ممکن است از ناحیه پدر و مادرشان مجازات شوند. این مجازات شدن در شرایطی صورت می گیرد که پدر و مادر به علل اصلی رفتار ناپهنگار فرزندشان توجه نمی کنند و این بچه ها در این شرایط به تدریج رفتارهای ضداجتماعی شان را افزایش می دهند [۲۱]

اضطراب و گوشه گیری

دانش آموزانی که با اختلالات رفتاری- عاطفی روبه رو هستند، ممکن است نشانه هایی از اضطراب و گوشه گیری را به نمایش بگذارند. مثلاً ممکن است در شرایطی که در نظر دوستان و آموزگاران شان کاملاً طبیعی است، احساس هراس بکنند. بعضی دیگر نیز ممکن است از درد و بیماری شکایت کنند یا خواهان توجه دائمی شوند. بعضی از دانش آموزان هم خجالتی اند، به راحتی گریه می کنند و از تماس با دیگر همکلاسی هایشان خودداری می کنند. با آنکه اضطراب و گوشه گیری دلیلی نیست تا بچه ها در سال های بعد با مشکل خاصی روبه رو شوند اما اضطراب، هراس و فوبیا به هر صورت روی رابطه دانش آموز و اطرافیانش تاثیر سوء می گذارد و مانع از تبادل های آنها با دیگران می شود و روی روابط اجتماعی و عمومی آنها اثر نامساعد می گذارد [۲۲]

افسردگی

اگرچه افسردگی در دوران کودکی و نوجوانی تنها در زمان های اخیر مورد توجه قرار گرفته و افسردگی دوران کودکی به خوبی تعریف نشده است، اما تخمین زده می شود ۶۰ درصد جمعیت کودکان در برنامه های تحصیلی ویژه ممکن است سوی ناراحتی های دیگر، افسردگی هایی را به نمایش بگذارند که در این میان دخترها بیش از پسرها در معرض افسردگی قرار می گیرند. افسردگی ممکن است با کمی عزت نفس، کمی مهارت های اجتماعی و حل مساله، ناتوانی در تنظیم رفتار شخصی برای برخورد با استرس، افکار منفی و نیز درماندگی فراگرفته شده همراه باشد. صاحب نظران معتقدند مسائل تحصیلی و افسردگی روی هم تاثیر می گذارند و دانش آموزان را گرفتار یک چرخه معیوب می کنند. به عبارت دیگر وقتی دانش آموز در تحصیل موفق نمی شود، اعتماد به نفس خود را از دست می دهد، خود را دانش آموزی ناشایست ارزیابی می کند و در نتیجه بیشتر افسرده می شود. گاه دانش آموز به این نتیجه می رسد که خصوصیات شخص اوست که اجازه نمی دهد در کار درس به موفقیت برسد. به طور کلی بسیاری از تغییرات اجتماعی دانش آموز را در معرض اختلالات رفتاری- عاطفی قرار می دهند که از آن جمله می توان به زندگی در شرایط فقر، زندگی با ناپدری یا نامادری، کودکان بی خانمان و کودکانی که در معرض مواد مخدر و دوستان ناباب قرار می گیرند، اشاره کرد. سال هاست که آموزگاران و سایر دست اندرکاران امور آموزشی - تربیتی، والدین را مسبب مشکلات رفتاری و اجتماعی- عاطفی فرزندان شان ارزیابی کرده اند. سرپرستی و نظارت آسان گیر یا معیارهای تربیتی و نظم آموزی تند و شدید از سوی پدر و مادر می تواند منجر به رفتارهای ضداجتماعی در کودکان و نوجوانان شود. این نوع تربیت وقتی ادامه دار می شود مشکلات حادثتری را ایجاد می کند. از سوی دیگر حتی بهترین والدین هم ممکن است دارای اولادی باشند که به لحاظ رفتاری- عاطفی با اختلال مواجه است و برای آنها و سایر افراد خانواده ایجاد استرس شدید می کند [۲۳]

محیط آموزشی و کودکان دارای اختلالات عاطفی - رفتاری

آموزگاران نیز مانند والدین سطح تحمل شان فردی و شخصی است. آنان هم هر کدام مشرب و سطح مهارت خودشان را در اداره رفتارهای دشوار دارند و مانند والدین توقعات و باورهای متفاوتی درباره متناسب بودن رفتار دانش آموز دارند. آنان نیز از طبقات و اقوام مختلف اجتماعی هستند که هر کدام باورهای خاص خود را دارند. اما واقعیت این است که اگرچه آموزگاران نمی توانند شرایط حاکم بر خانه دانش آموزان یا جامعه را کنترل کنند، اما می توانند رفتارهای مناسب را در طول روز که دانش آموز در مدرسه است به او آموزش بدهند. آموزگارانی که نسبت به نیازهای بچه ها حساس هستند، آموزگارانی که معیارهای واقع بینانه

برای رفتار و عملکرد دانش آموزان در نظر می گیرند و آموزگاران که برنامه ریزی درسی درست دارند و به رفتارهای خوب و درست دانش آموز پاداش می دهند، به احتمال بیشتری با دانش آموزان تبادل های مثبت و معنی دار پیدا می کنند. آموزگاران در کلاس های درس تاثیر تعیین کننده یی بر زندگی دانش آموزان به خصوص دانش آموزان دچار اختلال دارند. رفتار آموزگار می تواند باعث بی علاقهگی، رخوت، ناراحتی و نومیدی دانش آموز شود یا بالعکس باعث علاقه، کنجکاوی، یادگیری و احساس تعلق و رضایت وی شود [۲۴]

آموزگاران که با دانش آموزان با اختلال عاطفی- رفتاری روبه رو هستند، باید محیط یادگیری مثبتی را برای آنان تدارک ببینند. از سوی دیگر آموزگاران این کلاس ها باید صبر و شکیبایی فراوان داشته باشند. شما در نقش یک آموزگار به خصوص آموزگاری که با دانش آموزی سروکار دارید که با این اختلالات مواجه است، باید قبل از هر کار به باور شخصی خودتان از این رفتارها مراجعه کنید، باید مشخص سازید از دانش آموزان تان چه انتظاراتی دارید، تا چه حد می توانید تحمل کنید و اینکه آیا باورها و تعصبات اجتماعی شما سببی نبوده اند که در مقایسه با دیگران این رفتارها را تندتر ارزیابی کنید [۲۵].

مشکلات عاطفی و رفتاری دانش آموزان

مشکلات عاطفی و رفتاری دانش آموزان یکی از این مسائل و مشکلات، کار با دانش آموزانی است که دچار اختلالات رفتاری و عاطفی هستند. این گروه از دانش آموزان نمی توانند در مدرسه براساس هنجارها رفتار کنند. آموزگاران و دبیران امروزی با مسائل پیچیده ای روبه رو هستند که در گذشته رواج کمتری داشته است. یکی از این مسائل و مشکلات، کار با دانش آموزانی است که دچار اختلالات رفتاری و عاطفی هستند. این گروه از دانش آموزان نمی توانند در مدرسه براساس هنجارها رفتار کنند و در نتیجه بر عملکرد آموزشی تاثیر نامطلوبی بر جای می گذارند. با دانش آموزان دچار مشکلات عاطفی چگونه رفتار کنیم؟ دانش آموزانی با کاستی های توجه، دانش آموزان افسرده، دانش آموزان ضداجتماعی و ... جزو این گروه هستند. در واقع این دانش آموزان از خود رفتارهایی بروز می دهند که ممکن است براحتی زمان و انرژی زیادی از آموزگار را هدر دهد، با این حال هنوز هم بسیاری از متخصصان بر این باورند که آموزگار مهم ترین عامل تعیین کننده کیفیت برنامه های آموزشی برای دانش آموزانی است که با اختلالات رفتاری و عاطفی روبه رو هستند و می توانند در آموزش به این دانش آموزان نقش اصلی را ایفا کنند [۲۶]. آنان مسوول تهیه برنامه درسی، تعیین هدف های دانش آموزان و تشویق و تدارک آنها برای رسیدن به این اهداف هستند. می توان گفت به دلیل مشکل دار بودن این دسته از دانش آموزان، آموزگاران باید الگوی رفتاری مناسب برای آنان باشند. آموزگاران باید رفتار مهرانگیز، مودبانه و دوستانه ای را به نمایش بگذارند. همه دانش آموزان در جریان درس خواندن و یادگیری باید احساس سلامت، ایمنی و حمایت کنند و در این می آن دانش آموزانی که با اختلالات عاطفی و رفتاری روبه رو هستند و اغلب زندگی آشفته ای دارند، باید بیشتر مورد حمایت قرار گیرند. برای ایجاد رابطه دوستانه و موثر با این دانش آموزان، لازم است به صحبت های آنها گوش بدهید و برای احساساتشان ارزش قائل شوید، سعی کنید حتی اگر روزی چند دقیقه و یا چند لحظه هم که شده، با این دانش آموزان به طور انفرادی و خصوصی صحبت کنید. تبسم کردن و حالت جسمانی شما دانش آموز را مطمئن می سازد که شما او را دوست دارید. به کارهایش بها می دهید [۲۷]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که یک معلم می بایست حداقل ۳۰ دانش آموز را که هر کدام دیدگاه متفاوتی نسبت به کلاس، درس، معلم و... دارند، یکسان و یکسو نموده و تدریس نیز نماید. این اختلاف در مدارس عادی که همه نمونه دانش آموزی را در خود دارند بیشتر و در مدارس با دانش آموز همگون تر، کمتر می باشد هر چند اختلاف فردی و تفاوت دیدگاه در یک جفت دو قلوبی همسان که از لحاظ ویژگی های وراثتی و محیط زندگی، نسبتا یکسان هستند، نیز وجود دارد، حال چه رسد به دانش آموزان از خانواده های متفاوت و سطوح اجتماعی ناهمگون. آشنا شدن معلم با خصوصیات و برداشت های متفاوت

دانش آموزان از درس و محیط کلاسی، معمولا در هفته اول سال تحصیلی برای مقاطع ابتدایی ((که معلم دروس مختلف فقط یک نفر است)) و برای دیگر مقاطع تحصیلی طی دو یا ۳ هفته اول حاصل می گردد.

منابع و مأخذ

- [۱] اتکینسون، ریتال و همکاران؛ زمینه روان شناسی، رفیعی و همکاران، (۱۳۸۴)تهران، نشر ارجمند، چاپ پنجم، ج ۲.
- [۲] احدی، حسن، جمهوری، ف. (۱۳۸۲). روان شناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). تهران: پردیس
- [۳] احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات؛ (۱۳۸۰) روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک؛ چاپ سیزدهم، شرکت پردیس.
- [۴] احمدوند، محمدعلی (۱۳۹۲) روان شناسی بازی ، دانشگاه پیام نور چاپ اول
- [۵] احمدی، سید احمد(۱۳۹۵) روان شناسی نوجوانان و جوانان ، تهران ،مشعل
- [۶] ارضی و همکاران،(۱۳۹۹) روان شناسی فیزیولوژیک (فیزیولوژی رفتار)، تهران، رشد، ج ۱،
- [۷] ارنست هیلگارد و گوردن باور، نظریه های یادگیری، ترجمه محمد تقی براهنی(۱۳۹۷)، جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- [۸] استاین برگ. دنی، در آمدی بر روانشناسی زبان، ترجمه دکتر ارسلان گلفام، (۱۳۸۱)تهران: انتشارات سمت.
- [۹] استیو، هین، هوش هیجانی برای همه، ترجمه رویا کوچک انتظار و مزگان موسوی شوشتری،(۱۳۸۴) تهران، تجسم خلاق.
- [۱۰] افروز، غلامعلی و کامبیز کامکاری، (۱۳۸۷) مبانی روان شناختی هوش و خلاقیت؛ تاریخچه، نظریه ها و رویکردها، تهران، دانشگاه تهران
- [۱۱] انتصارفومنی، غلامحسین و همکاران،(۱۳۸۴) روان شناسی عمومی، تهران، سرافراز، چاپ اول.
- [۱۲] آزاد ، حسین؛ (۱۳۹۲) آسیب شناسی روانی؛ تهران، انتشارات بعثت.
- کعب آندره بلوش، مارک؛ رشد روانی - عاطفی کودک؛ ترجمه ی فرشته توکلی، (۱۳۹۷)نشر واژه ی صبح.
- [۱۴] باقری، خسرو و خسروی، زهره؛ (۱۳۸۷)نظریه های روان شناسی معاصر (به سوی سازه گرایی واقع گرایانه)، تهران، علم، چاپ اول،
- [۱۵] باولر، پیتر، چارلز داروین و میراث او، ترجمه حسن افشار،(۱۳۸۰)نشر مرکز، چاپ اول
- [۱۶] براهنی ، محمدتقی و همکاران،(۱۳۸۳) زمینه روان شناسی، چ دهم، تهران، رشد، ج ۱،
- [۱۷] برک ، لورای؛ روان شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، جلد اول؛ ترجمه ی یحیی سید محمدی، (۱۳۸۴) چاپ پنجم ، نشر ارسباران
- [۱۸] بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ وایروانی، محمد؛ (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی؛ مجله روانشناسی شماره ۱۹، ص ۳۳-۴۵
- دوم پارسا، محمد(۱۳۹۲)؛ روان شناسی یادگیری (بر بنیاد نظریه ها)، تهران، بعثت، چاپ دوم،
- [۲۰] پارسا، نسرین (۱۳۸۰)هوش هیجانی، چ سوم، تهران، رشد ،
- [۲۱] پاول هنری ماسن...، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی،(۱۳۸۰) تهران، نشر مرکز، کتاب ماد
- [۲۲] جان لاک(۱۳۹۷)ش) نامه ای در باب تساهل، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، نشر نی، تهران،
- [۲۳] جمعی از نویسندگان،(۱۳۸۶) اخلاق کاربردی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ،
- [۲۴] جیمز دبلیو و ندرزندن. روانشناسی رشد، ترجمه گنجی، حمزه،(۱۳۹۶) انتشارات بعثت،
- [۲۵] جیمز او، یروچاسکا، سی، نورکراس، نظریه های روان درمانی. ترجمه سید محمدی، یحیی(۱۳۸۱)، انتشارات رشد،
- [۲۶] خانجانی، زینب ؛ (۱۳۸۴)تحول و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی؛ انتشارات فروزش.
- [۲۷] خداپناهی، محمدکریم (۱۳۸۴) انگیزش و هیجان، چ ششم، تهران، سمت، ،